

کارکردهای تربیتی حیا در اسلام

از نگاه و تقریر مرحوم آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (ره)

حسن نجفی^{۱*}، علی فاطمی‌پور^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی کارکردهای تربیتی حیا در اسلام از نگاه و تقریر آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (ره) است. پژوهش از لحاظ رویکرد، کیفی بوده و با روش تحلیلی - استنباطی انجام شده است. روش تحلیل داده‌ها نیز تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مرحوم آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (ره) حیا را شاخصه‌ای سرآمد ایمان و اخلاق می‌داند که به‌صورت فطری در تمامی انسان‌ها از ابتدای تولد وجود دارد و امری اکتسابی نیست. دیگر اینکه در تقریر ایشان، حیا شامل حیای از خدا، نفس، مردم، ملائکه و اولیاءالله است و کارکردهایی همچون تقویت توانمندی درونی، حرکت‌آفرینی، حفاظت از هویت ایمانی و انسانی، عیب‌پوشی، بصیرت‌افزایی و جلب محبت الهی دارد.

واژگان کلیدی: حیا، کارکردهای تربیتی، آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (ره)

۱- نویسنده مسئول: دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران hnajafih@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد تربیت اخلاقی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران jenan@mailfa.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

بیان مسئله

انسان نیازهای متعددی دارد؛ نیاز به امنیت، آرامش، خوراک، پوشاک، سلامت، تربیت و... بدون تردید در بین نیازهای انسانی، نیاز به رشد و تربیت از اساسی‌ترین نیازهاست. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: *خَيْرُ مَا وَرَثَ الْاَبَاءُ الْاَبْنَاءُ الْاَدَبُ*؛ «بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند، ادب و تربیت نیکوست» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۳۹۳). سعادت و شقاوت انسان به شیوه تربیت او گره خورده و شیوه رفتار و برخوردهای هر انسانی در طول مسیر زندگی و نیز انتخاب‌هایش به تربیت او وابسته است.

نظر به اینکه انسان ساحت‌های وجودی متعددی دارد، می‌توان تربیت را به انواع مختلفی تقسیم کرد که یکی از آنها، «تربیت اخلاقی» است؛ تربیتی که به چگونگی نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و زدودن رذایل اخلاقی از انسان توجه دارد. تربیت اخلاقی را می‌توان مقدم بر دیگر ساحت‌ها و زیربنای آنها به شمار آورد؛ چرا که انحطاط اخلاقی یک جامعه در نابه‌سامان کردن اوضاع آن جامعه، نقش اساسی دارد. همچنین پیشرفت همه‌جانبه یک جامعه به رشد اخلاقی آن متکی است. «انحطاط فرهنگی و سقوط معنوی و اخلاقی بخش معتناهی از مردم می‌تواند در نابه‌سامان کردن وضع معیشتی و اقتصادی جامعه و به تباهی کشاندن نظام حقوقی و سیاسی حاکم بر آن جامعه تأثیر قاطع داشته باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۰).

منابع دین مبین اسلام نیز از مباحث مربوط به حوزه تربیت اخلاقی سرشار است. تأمل و دقت در قرآن کریم و روایات مأثور، رهنمودهای بسیاری را برای ما به همراه می‌آورد تا آنجا که برخی از صاحب‌نظران، تربیت اخلاقی را برنامه‌ریزی برای حرکت در مسیر مطلوب اسلام دانسته‌اند (جمعی/نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

مسئله تربیت اخلاقی با رویکرد اسلامی یکی از مسائلی است که نیازمند دقت و ظرفیت‌شناسی آثار اندیشمندان مسلمان است. استفاده از دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی معاصر یکی از نزدیک‌ترین راه‌ها و بهترین ظرفیت‌ها برای دستیابی به این هدف به شمار می‌رود. تلاش گسترده متفکرین معاصر با توجه به شرایط فرهنگی جامعه کنونی و برخاسته از منابع اسلامی، در تربیت اخلاقی انسان‌ها بهره‌های فراوانی را به دست می‌دهد و الگوی مناسبی برای تکمیل و غنای مدل تربیت اخلاقی مورد نظر اسلام است.

در میان اندیشمندان، استاد مجتبی تهرانی (ره) یکی از متفکرین معاصر و صاحب‌نظر در عرصه تربیت اخلاقی به شمار می‌آید که در زمان حیاتش، مباحث مفصلی را برای طلاب علوم دینی و عموم مردم در این زمینه به روش استنباطی و برگرفته از منابع دینی ایراد کرده است. او در تربیت اخلاقی بنا به مشرب خاص خود مباحث را سامان داده و آراء متفاوتی را در این زمینه رقم زده است. او همچنین حیاء را به‌عنوان شاخصه محوری و نخ تسبیح دانسته و بر این اعتقاد دارد که برای تربیت صحیح اخلاقی انسان‌ها باید شاخصه حیاء را تقویت کرد. مرحوم تهرانی (ره) این شاخصه را دارای اهمیت دانسته و برای تبیین جایگاه آن به این حدیث از امام صادق (ع) اشاره می‌کند که: *لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ*؛ «کسی که حیاء ندارد، ایمان ندارد» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۰۶). براین اساس

در پژوهش حاضر کارکردهای اخلاقی حیا در اسلام از نگاه و تقریر مرحوم آیت‌الله تهرانی(ره) مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه بررسی سوابق مطالعاتی در قلمرو حیا و کارکردهای تربیتی آن نشانگر آن است که تاکنون از سه منظر فلسفی (مانند: ذوالفقاری، ۱۳۹۵)، قرآنی و حدیثی (مانند: حسینی، ۱۳۹۵؛ کیفی بجستانی، ۱۳۹۴) و اجتماعی (مانند: اکبری، ۱۳۹۷؛ احمدی‌نژاد و کوهساری، ۱۳۹۶؛ پسندیده، ۱۳۹۳) به این بحث پرداخته شده است. ذوالفقاری مبانی فلسفی حیا را در چهار حیطه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی با نظر به تربیت اسلامی تبیین و تحلیل‌های لازم را در رابطه با آثار و پیامدهای هر یک ذکر کرده است. حسینی با محور قرار دادن قرآن و روایات، جایگاه حیا را بررسی و آثار آن را در سبک زندگی اسلامی معرفی کرده است. کیفی بجستانی نیز قرآن را ملاک پژوهش خود قرار داده و به معرفی آثار حیا و ادب بر زندگی انسان‌ها پرداخته است. براساس این پژوهش، حیا بهترین ضامن اجرایی در تربیت اخلاق فردی و اجتماعی است. اکبری نیز نقش حیا در سلامت اخلاقی جامعه را مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده که حیا پتانسیل و ظرفیت بالایی در مصون‌سازی جامعه از ناهنجاری‌های اخلاقی دارد؛ چراکه عامل مهمی در شکل‌دهی باورهای اخلاقی مطلوب است. احمدی‌نژاد و کوهساری هم نقش حیا را در سلامت خانواده و جامعه تحلیل کرده و ابراز داشته‌اند که در پناه حیا، سلامت روحی و معنوی خانواده تأمین می‌شود و جامعه از حضور و مشارکت فعال و جریان‌ساز زنان به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع متمتع خواهد شد. آخرین پژوهش هم مربوط به پسندیده است که سعی کرده در کنار تشریح فرهنگ حیا، نقش آن را در تنظیم روابط اجتماعی بیان کند. همان‌طور که پیداست در تحقیقات مذکور عمدتاً دو نقص و کاستی اساسی مشهود است: نخست اینکه غالباً به تبیین جایگاه فلسفی، دینی و اجتماعی حیا اکتفا شده و دوم اینکه از محوریت تربیتی حیا غفلت شده است. به همین دلیل این پژوهش در مسیر برطرف ساختن این دو نقیصه اساسی گام برمی‌دارد و تلاش می‌کند با بهره بردن از دیدگاه مرحوم آیت‌الله مجتبی تهرانی(ره)، گامی رو به جلو در جهت فهم جامعی از نقش حیا در تربیت برداشته و در نتیجه راهنمای عمل والدین و مربیان مدرسه‌ای باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد در زمره تحقیقات کیفی و از لحاظ روش، تحلیلی - استنباطی است. نمونه‌گیری در آن به شیوه هدفمند (انتخاب آثار و سخنان مرحوم آیت‌الله تهرانی(ره) براساس مرتبط بودن با حیا) انجام شده و روش تحلیل آن، تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی (جزء به کل) است. مطالعه عمیق، تلخیص اطلاعات و استخراج مضامین اصلی و برقراری ارتباط بین مضامین به‌دست‌آمده، گام‌ها و مراتب تحلیل محتوای استقرایی در این پژوهش هستند.

یافته‌های پژوهش

ماهیت حیاء

در آثار آیت‌الله تهرانی(ره) یکی از رویکردهایی که برای تعریف و بررسی ماهیت حیاء وجود دارد، تعریف به ضد است. «وقاحت» ضد حیاست که در لغت به بی‌شرمی تعریف شده و در اصطلاح، مبالات نداشتن نفس نسبت به ارتکاب محرمات شرعی، قیاب عقلیه و عرفیه است (تهرانی، ۱۳۹۰). وقاحت و در مقابلش حیاء، در تخریب و سازندگی انسان نقش اساسی دارند. وقاحت، ریشه اصلی تمام معاصی است (تهرانی، ۱۳۶۵/۰۸/۰۲). اگر حیاء نباشد، دست ما هم از انسانیت و هم از الهیت خالی است. نه انسان هستیم و نه متدین (همان). آیت‌الله تهرانی در برخی موارد «خُلَع» را مقابل حیاء می‌شمارد و بدین‌گونه دلیل می‌آورد: در روایتی از سماعه درباره جنود عقل و جهل آمده است: *الْحَيَاءُ وَضِدَّهَا الْخُلَعُ*؛ «حیاء یکی از جنود و سپاهیان عقل است و ضدش خُلَع است» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۲۰). اما خُلَع چیست؟ مرحوم صدرالمألهین می‌فرماید: خُلَع از ماده خَلَع است. «خَلَع ثوبه» یعنی «لباسش را از تن برکند و بیرون آورد». حیاء یک پوشش برای روح است که جلوی افراط و تفریط شهوت و غضب را می‌گیرد تا افعال ناروا از انسان سر نزنند. چون این کارها زشت و قبیح است و موجب خجالت انسان می‌شود. حیاء هم مانعیت دارد و هم انسان را می‌آراید. اما ضد این خصوصیت آن است که انسان این لباس را از تن روحش بیرون بیاورد و خُلَع کند. آن چیزی که موجب می‌شود روح انسان در ربط با اعمال زشت، یک حالت انفعال پیدا کرده و به تعبیری شرمنده شود، حیاء است (تهرانی، ۱۳۹۰).

او رویکرد دوم در تعریف حیاء را رجوع به منابع دینی دانسته و در این باره نوشته است: «در مفردات راغب که نویسنده آن از نحوین معروف و مورد اعتماد است، از نظر لغت حیاء را این‌طور تعریف و معنا می‌کند که: *الحیاء انقباض النفس عن القبائح و ترکها لذلك*؛ «حیاء آن حالت گرفتگی نفس و خویشنداری نفس نسبت به کارهای زشت است که به جهت زشتی، آن کارها را انجام ندهد». حیاء اعم از تقواست؛ چون تقوا عبارت از اجتناب معاصی شرعیه است. ولی حیاء اعم از اجتناب معاصی شرعیه و اجتناب از آن چیزی است که عقل و عرف آن را زشت می‌شمارند. این خصلت، از صفات شریفه نفسانیه است». مرحوم مجلسی نیز در ذیل این روایت از امام صادق(ع) که «*الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنه*»، نقل می‌کند: «*الحیاء ملکه للنفس؛ حیا ملکه‌ای نفسانی است که موجب گرفتگی روح «عن القبیح» می‌شود؛ یعنی جلوی روح را می‌گیرد که عمل زشت انجام ندهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۲۹).*

استاد در رویکرد سوم، حیاء را با توجه به فطری بودن آن تعریف کرده و می‌فرماید: «حیاء یک امر فطری است؛ یعنی حیاء یک موهبت و ودیعه الهی است و اکتسابی نیست. ما یک امور فطری داریم که همراه با خلقت و آمیخته به خلقت ماست. همان‌گونه که در بُعد معنوی، انسان موحد خلق شده: *كُلُّ مَوْلُودٍ یُؤَلَدُ عَلَی الْفِطْرَةِ*؛

«هر انسانی که به دنیا می‌آید موحد است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۱)، در بعد اخلاقی نیز هر انسانی که به دنیا می‌آید، با حیاء خلق شده است. به این ترتیب می‌توان گفت که انسان با حیاء خلق می‌شود، ولی از زمانی که با دیگران ارتباط پیدا می‌کند، انحراف پیدا کرده و بی‌حیاء می‌شود. در واقع انحراف در روابط پدید می‌آید، وگرنه انسان به ذات خودش، مفطور به توحید و حیاء است. فطرت اولیه انسان، خداجو و خداخواه است؛ یعنی هر انسانی که به دنیا می‌آید، خداوند این موهبت - یعنی حیاء - را مانند سایر فطریات، به او عطا کرده است. اصلاً ماهه‌الامتیاز انسان از سایر حیوانات، همین حیاء است؛ یعنی این موهبت الهیه (حیاء) در حیوانات نیست، ولی در انسان هست. به همین خاطر انسان از دیگر حیوانات متمایز شده است. در توحید مفضل از امام صادق (ع) به مفضل می‌فرماید: «نُظِرَ يَا مُفَضَّلُ إِلَيَّ مَا خُصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ دُونَ جَمِيعِ الْخَيَوَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۸۱). امام صراحتاً می‌فرماید آنچه غیر از سایر حیوانات، تنها به انسان اختصاص داده شده، حیاء است» (تهرانی، ۱۳۹۰). نکته دیگری که در این رویکرد اشاره کرده آن است که: «حیاء یک امر اکتسابی مانند برخی از ملکات انسان که کسب شدنی است و به دست می‌آید، نیست. گاهی انسان خودش ملکه‌ای را تحصیل می‌کند و به دست می‌آورد، اما حیاء به دست آوردنی نیست. امری خدادادی است که خداوند به هر انسانی داده است (همان). مطلب بعدی، همگانی بودن حیاء است. این‌طور نیست که خداوند حیاء را فقط به مؤمن داده باشد و کافر حیاء نداشته باشد. اصلاً و ابداً چنین حرفی درست نیست. خداوند حیاء را هم به مؤمن و هم به کافر داده است. در واقع خدا در فطرت و نهاد هر موجودی که ما به آن «انسان» می‌گوییم، حیاء را قرار داده است. امام صادق (ع) از قول حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَسَمَ الْحَيَاءَ كَمَا قَسَمَ الرَّزْقَ؛ «خداوند حیاء را بین انسان‌ها تقسیم کرده، همان‌طور که روزی را پخش کرده است» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۱۳۵). پس این‌طور نیست که کسی خیال کند خداوند حیاء را فقط به بعضی از بندگان داده است» (تهرانی، ۱۳۹۰).

اهمیت حیاء

همان‌طور که در بیان مسئله ذکر شد، امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ «کسی که حیاء ندارد، ایمان ندارد» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۰۶). با این حساب اگر انسان، کاری را که از دیدگاه عقل زشت است انجام دهد و برایش هیچ اهمیتی نداشته باشد، انسان بی‌حیایی است. از نظر درونی، برای چنین کسی ذره‌ای ناراحتی ایجاد نمی‌شود. قیایح عقلیه در ارتباط با عقل عملی است؛ چون ادراک حُسن و قُبْح مربوط به عقل عملی است. محرّمات شرعیّه هم به معنی دستورات شرعی است. بنابراین منشأ اینکه یک نفر با اینکه می‌گوید معتقد به معاد و نبوت است، اما در عین حال گناهی مرتکب شده و از نظر درونی هیچ ناراحتی برایش ایجاد نمی‌شود، بی‌حیایی است. تمام گناهان انسان از حالت افراط و تفریط در ارتباط با نیروهای نفس - چه فعل باشد و چه ترک - است و سرچشمه همه آن‌ها، بی‌حیایی است (تهرانی، ۱۳۹۰).

روایات در باب حیاء به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ای موضوع حیاء را به ضد آن بررسی کرده و دسته‌ای دیگر روایات مختص به خود حیاء را ذکر کرده‌اند. *القحۀ عنوان الشر؛* «عنوان همه زشتی‌ها، وقاحت و بی‌شرمی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۵۷). براین اساس همه شرور زیرمجموعه بی‌حیایی به حساب می‌آیند. *رأس کل شر القحۀ؛* «سرآمد هر شری بی‌حیایی است» (همان). همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: *الْوَفَاقَةُ صَدْرُ النَّفَاقِ وَالشَّقَاقِ وَالْكَفْرِ؛* «سرآمد نفاق، شقاق و کفر، بی‌حیایی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۳۶). در کلام دیگری رسول خدا (ص) می‌فرماید: *«الحیاء هُوَ الدِّینُ کُلُّهُ»* (متقی، ۱۴۱۹ ق، ح ۵۷۵۷). رسول گرامی اسلام (ص) در این روایت اصل دین را در حیاء خلاصه می‌کند.

اقسام حیاء

آیت‌الله تهرانی حیاء را به سه شکل دسته‌بندی می‌کند که «حیای ممدوح و مذموم»، «حیای عقل و حماقت» و «حیای از خدا، نفس، مردم، ملائکه و اولیاءالله» از آن جمله است (تهرانی، ۱۳۶۵/۰۸/۰۷).

او در مورد دسته‌بندی اول می‌فرماید: «درباره حیاء دو لحن وجود دارد. گاهی لحن، لحن ستایش از این حالت نفسانی است و گاهی لحن، لحن نکوهش است. حیای ممدوح یعنی ستایش شده و حیای مذموم یعنی نکوهش شده. در نوع نخست روایاتی مانند: *«الحیاء خُلِقَ مَرَضِیً»* (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۵۶) و *«السَّخَاءُ وَ الْحِیَاءُ أَفْضَلُ الْخُلُقِ»* (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۷۵) و در نوع دوم روایاتی مانند: *«الحیاءَ یَمْنَعُ الرِّزْقَ»* (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۷)، *«الحیاءُ مَقْرُونٌ بِالْحِرْمَانِ»* (همان، ص ۳۰) ذکر شده است.»

او در دسته‌بندی دوم نظر بر آن دارد که: «گاهی سبب پیدایش حیاء، عقل است و گاهی جهل، سبب آن می‌شود. در حیای عقل، متربی قبل از انجام دادن عملی روی آن فکر می‌کند و وقتی می‌بیند قبیح است، حالت حیاء در او ایجاد می‌شود. اما گاهی شخص عملی را که نه تنها قبیح شرعی یا عقلی ندارد، بلکه حسن عقلی یا شرعی از نگاه متشرعه هم دارد، به دلیل عرف غیرمتشرعه، ناپسند به حساب می‌آورد» (تهرانی، ۱۳۹۴، صص ۶۹-۷۲).

استاد در دسته‌بندی سوم ابتدا به سراغ «حیای من الله» رفته و دو روایت از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که: *رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَا مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؛* «رحمت خداوند بر بنده‌ای که از پروردگار خود شرم کند، آن طور که سزاوار شرم و حیاء از پروردگار است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۳۳) و *اسْتَحْيُوا مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؛* «از خدا حیاء کنید، آن طور که حق حیاء است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶، ص ۱۳۱). «حیای من الخلق» دومین نوع حیاء در دسته‌بندی سوم است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: *شَرُّ الْأَشْرَارِ مَنْ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ النَّاسِ وَلَا يَخَافُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ؛* «بدترین افراد کسی است که از مردم حیا نکند و از خدا بیم نداشته باشد» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۸۲۰). «حیای من نفس» سومین نوع حیاء است؛ جایی که فرد از خودش خجالت می‌کشد. در این زمینه حضرت امیر (ع) می‌فرماید: *مِنْ تَمَامِ الْمَرْوَةِ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِنْ نَفْسِكَ؛* «از تمام مروت و جوانمردی این است که از خودت خجالت بکشی» (همان، ص ۶۷۷) (تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰). چهارمین نوع حیاء، «حیای من

الملائکه» است. آیت‌الله تهرانی در این خصوص به روایت حضرت رسول (ص) اشاره می‌کند که می‌فرماید: لَيْسَتْ حَيَّي أَحَدِكُمْ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مَعَهُ كَمَا يَسْتَحْيِي مِنْ رَجُلَيْنِ صَالِحِينَ مِنْ جِيرَانِهِ وَ هُمَا مَعَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ؛ «متربی باید از دو فرشته‌ای که شب و روز همراه او و ناظر بر اعمالش هستند، حیاء کند؛ همچنانی که از انسان‌های دیگر حیاء می‌کند و در مقابل آن‌ها هر کاری را انجام نمی‌دهد» (نهج البلاغه، ص ۶۵۶). «حیای من اولیاء‌الله» آخرین نوع حیاء از دیدگاه استاد است. او در این ارتباط به روایتی از امام صادق (ع) اشاره می‌کند که می‌فرماید: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ «اعمال بندگان هر روز بر پیامبر خدا (ص) عرضه می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۷، ص ۱۴۹). پس باید از اینکه اعمال بد انسان به ایشان عرضه شود، خجالت کشید و حیاء کرد. همچنین در ادامه این روایت از امام صادق (ع): «أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أُنْبَرُهَا وَ فِجَارُهَا» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۲۱۹) در ذیل آیه ۱۰۵ سوره مبارکه توبه «وَقُلْ أَعْمَلُوا فِيسِرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرْتُونِ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيَنْبَغُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» را نقل می‌کند. بر این اساس اعمال انسان‌ها چه خوب و چه بد بر ائمه عرضه می‌شود. هر روز صبح، ابرار و فجار (یعنی کارهای خوب و زشت) به رسول خدا عرضه می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۴، صص ۳۲۷-۳۲۴).

کارکردهای تربیتی حیاء

الف) تقویت توانمندی درونی

از دیدگاه آیت‌الله تهرانی (ره) نخستین کارکرد تربیتی حیاء، نقش بازدارندگی آن نسبت به عمل زشت است. دلیل آن هم این است که حیاء توانمندی درونی مقابله با عمل زشت را در انسان تقویت می‌کند و او را به مرحله بالایی از خودکنترلی می‌رساند. همین تقویت توانمندی درونی، متربی را از دچار شدن به عمل قبیح باز می‌دارد. اساساً اهمیت این موهبت الهیه در درون فرد نیز همین است که نقش بازدارندگی دارد و از ارتکاب کارهای ناشایست پیشگیری می‌کند؛ نه اینکه صرفاً بعد از انجام گناه، تازه به کار افتد و منفعل شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: الْحَيَاءُ بَصُدٌّ عَنِ الْقَبِيحِ؛ «حیاء جلوی عمل زشت را می‌گیرد» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۵۷). در روایتی از پیغمبر اکرم (ص) آمده است که حضرت فرمودند: الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلَّهُ يَعْنِي أَنَّهُ يَكْفِي ذَا الدِّينِ وَ مَنْ لَا دِينَ لَهُ عَنِ الْقَبِيحِ فَهُوَ جَمَاعٌ كُلُّ جَمِيلٍ؛ «سراپای حیاء خیر است. برای شخص بی‌دین و با دین سود دارد و هر دو را از کار زشت باز می‌دارد» (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۱۶۸). حیاء مربوط به اعمال اختیاری و ارادی متربی است؛ یعنی همین‌که متربی می‌خواهد کاری را با اختیار و اراده خودش انجام دهد، حیاء پیش می‌آید و نقش بازدارندگی خود را ایفا می‌کند.

متربی هر کاری را که بخواهد انجام دهد - چه زشت و چه زیبا - باید ابتدا آن را تصور کرده و سپس آن را انجام دهد. مثلاً وقتی کسی می‌خواهد نماز بخواند، ابتدا نماز را تصور می‌کند و سپس بلند می‌شود؛ به این شکل نیست که نداند چه کار می‌خواهد بکند. در واقع متربی باید ابتدا عمل را تصور کند و بعد از آن به سراغ

فایده‌اش رفته و بسنجد که اگر آن کار مفید است، انجامش دهد و اگر مفید نیست، انجام ندهد. این در حالی است که وقتی متربی متوجه شود کاری مفید است، نسبت به آن حُبّ پیدا می‌کند. حب به شیئی، شوق به آن را ایجاد کرده و بعد از این‌ها آن کار را انجام خواهد داد. بنابراین اگر فردی از یک کار متنفر باشد، آن را انجام نمی‌دهد. درواقع وقتی که آدمی می‌خواهد عمل زشتی را انجام دهد، ابتدا آن را تصور می‌کند. مثلاً وقتی می‌خواهد به گوش کسی سیلی بزند، ابتدا این کار را تصور کرده و سپس انجام می‌دهد و گرنه، سیلی را به گوش خودش می‌زد! پس معلوم می‌شود که متربی ابتدا کار را تصور کرده و بعد از آن انجام می‌دهد. کسی که عمل زشت را تصور می‌کند، اگر پرده فطری و الهی، این ودیعه الهی در انسان باشد و دریده نشده باشد، برای انسان از بدی تنفر ایجاد کرده و مانع ارتکاب آن عمل زشت می‌شود.

حیاء با تقویت توانمندی درونی منجر می‌شود که انسان در مقابل شهوات نیز ایستادگی کرده و اجازه ندهد عمل زشت از او سر بزند. زمانی که در درون انسان غوغایی به پا می‌شود تا به سمت لذت‌ها و شهوات کشیده شود، حیاء بر سر نفس می‌زند و با فشاری که روی نفس می‌آورد او را توانمند کرده و از افراط و تفریط در شهوات باز می‌دارد و او را به حالت اعتدال می‌کشانند. حیاء متربی را از افسارگسیختگی نفس به عفت می‌کشانند؛ چنان‌که در کلمات امام علی (ع) نیز به این نکته اشاره شده است: *الْحَيَاءُ قَرِينُ الْعَفَافِ*؛ «حیا با عفت همراه و همدوش است» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۳۸)، همچنین است *تَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعَفَّةُ*؛ «ثمره حیاء، عفت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۷)، *عَلَى قَدَرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعَفَّةُ*؛ «انسان به هر میزان حیاء داشته باشد، به همان میزان عفت نیز دارد و به هر میزان حیای او از بین برود به همان میزان عفت او نیز از بین می‌رود» (همان، ص ۲۵۶) (تهرانی، ۱۳۶۵/۰۸/۰۹).

حیاء جلوی عمل زشت متربی در نتیجه عصبانیت و ناراحتی را هم می‌گیرد و با اکسیری که به روح و جسم انسان وارد می‌کند، او را در مقابل شراره‌های غضب و طغیان‌ها بیمه می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: *مَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ وَلَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ*؛ «فحش و ناسزا گفتن یکی از مصادیق به خشم آمدن و غلبه غضب بر انسان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۳۴). براساس این روایت حضرت می‌فرماید انسانی که غضب بر او چیره می‌شود و بازدارنده‌ای ندارد و به ناسزا گفتن روی می‌آورد، این ناسزاگویی او را بدچهره می‌کند. درمقابل کسی که عامل بازدارنده‌ای به نام حیاء در مقابل غضبش دارد، حیاء او را از ناسزا گفتن منع می‌کند، او را زیور داده و آراسته خواهد کرد. زمانی که انسان به شراره‌های شهوت و غضب تن داده و به آن‌ها توجه می‌کند، موجب اسارت عقلش می‌شود و به تعبیری وجدان او مسخ خواهد شد. درحالی‌که حیاء از غلبه شراره‌های غضب و شهوت در درون انسان و به اسارت رفتن عقل جلوگیری می‌کند و بدین‌گونه موجب توانمندی درونی و مدیریت عقل بر سایر قوا می‌شود، عقل را از اسارت‌های افراط و تفریط‌رهایی بخشیده و به اعتدال و آزادی می‌کشانند. امام علی (ع) می‌فرماید: *إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعَفَّةَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ وَآتَهُمَا كَسَجِيَةِ الْأَحْرَارِ وَشِيْمَةِ الْأَبْرَارِ*؛ «حیاء و عفت از خوی‌های ایمانی است و این دو، صفت آزادگان و احرار است»

(تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۳۹). احرار کسانی هستند که انسانیت آن‌ها آزاد شده و از اسارت‌ها و حیوانیت رها شده‌اند. هر چه حیا بیشتر شود، آزادگی و حریت انسان بیشتر می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۴، صص ۱۶۵-۱۵۹).

ب) حرکت آفرینی

حرکت آفرینی در جهت عمل به خوبی‌ها و ترک محرمات، دومین کارکرد تربیتی حیا برای متربی است. آیت‌الله تهرانی (ره) معتقد است که: «غریزه حیا است که موجب می‌شود انسان به واجب عمل کند و غریزه حیا است که موجب ترک حرام می‌شود. کسی که حیا‌اش بیشتر است، هم به واجب و هم به مستحب عمل می‌کند و کسی که حیا‌اش کمتر است، فقط به واجب بسنده می‌کند. منظور این است که این به فرد بستگی دارد که آیا شخص بخیلی است یا اینکه واقعاً می‌خواهد نیکی‌های طرف مقابل را جبران کند. در باب حرام و مکروه هم همین است. پشتوانه عمل به احکام، حیا است. روایتی از حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: *الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ*؛ «هر عمل نیکی که از تو سر بزند کلیدش حیا است». روایت دیگری هم از امام علی (ع) موجود است که می‌فرماید: *أَلْحَيَاءُ سَبَبٌ إِلَى كُلِّ جَمِيلٍ*؛ «حیا، سبب هر عمل نیکی است که انسان انجام می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۲۱۲). حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: *الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكَرَمِ وَ أَحْسَنُ الشَّيْمِ*؛ «پشتوانه تمام اعمال خیری که ما انجام می‌دهیم، حیا است و زیربنای تمام گناهایی که مرتکب می‌شویم، بی‌حیایی و وقاحت است» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۵۶). از پیغمبر اکرم (ص) نیز روایتی نقل می‌کنند که می‌فرماید: *وَ أَمَّا الْحَيَاءُ فَتَيْشَعَبُ مِنْهُ اللَّيْنُ وَ الرَّاقَةُ وَ الْمُرَاقَبَةُ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ السَّلَامَةُ وَ اجْتِنَابُ الشَّرِّ وَ التَّشَاشُّهُ وَ السَّمَاخَةُ*؛ «همه خوبی‌ها از حیا سرچشمه می‌گیرد و درمقابل وقاحت و بی‌شرمی پشتوانه تمام خلاف‌کاری‌ها و معاصی در جامعه است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۱۷) (تهرانی، ۱۳۹۰/۰۱/۲۸).

ج) حفاظت از هویت ایمانی و انسانی

یکی دیگر از کارکردهای تربیتی حیا در دیدگاه مرحوم تهرانی (ره) حفاظت از هویت ایمانی و انسانی متربی است. او در این مورد می‌فرماید که: از امام هشتم نقل است: *كَمْ يَبْقَى مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا كَمْ تَسْتَحْيِي فَاصْنَعْ مَا شِئْتُ*؛ «وقتی حیا از بین رفت هر کاری می‌خواهی بکن» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۳۳). مرحوم صدرالمتألهین در اینجا آن معنای مشهور راجع به روایت را مطرح می‌کند که: *«إِذَا لَمْ تَسْتَحْ مِنَ الْعَيْبِ لَمْ تَخْشِ النَّارَ مِمَّا تَفْعَلُهُ فَافْعَلْ مَا يَحْدُثُكَ بِهِ نَفْسُكَ مِنْ اغْرَاضِهَا»*. این همان نفس اماره بالسوء است که وقتی حیا رفت، دیگر هر کاری را به راحتی انجام می‌دهد. ایشان می‌فرماید که لفظ امر، معنایش توبیخ و تهدید است؛ یعنی دیگر آزاد نشدی. بعد ایشان تشبیهی دارد و می‌فرماید حیا مثل افسار بر دهان حیوان می‌ماند که جلوی شرارت حیوان را می‌گیرد. اگر حیا برود، ایمان هم می‌رود، انسانیت هم می‌رود. ظاهر را نگاه نکنید.

این واقعیاتی است که داریم می‌گوییم و بعد عرض می‌کنم که کار به کجا می‌کشد. وقتی که حیاء رفت، ایمان و انسانیت می‌رود؛ چون حیاء پوششی برای ایمان است. همان‌طور که پوشش برای جنبه‌های انسانی است. نه تنها ایمان می‌رود، بلکه انسان به خطرناک‌ترین چیز، یعنی وادی کفر و انکار کشیده می‌شود. واقعیت‌ها را می‌بیند، حتی واقعیت‌ها در باب مفاسد دامنش را هم می‌گیرد، اما باز انکار می‌کند. به این حالت «کفر جحودی» می‌گویند. آیه شریفه در باب کفر جحود قوم فرعون این‌طور بیان می‌دارد که: *فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ وَحَدُوا بِهَا؛* «دیدند معجزه است، اما گفتند سحر است؛ این کفر جحودی است». *وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ؛* «با اینکه یقین داشتند». ما بالاتر از یقین نداریم. تا حالا از ایمان می‌گفتیم و حالا می‌بینیم که یقین را هم جلو می‌آورد. یعنی یقین داشتند که این معجزه است، اما باز آن را انکار کردند. *«هَلُمَّا وَ عَلُوًّا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»* (نمل، ۱۴-۱۳). به این ترتیب با رفتن حیاء، نه تنها ایمان می‌رود، بلکه از آن طرف کفری می‌آید که کفر معمولی نیست (تهرانی، ۱۳۹۰). روایتی از امام علی (ع) وجود دارد که فرمودند: *الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا؛* «حیاء از خدا، موجب می‌شود آثار سوء بسیاری از گناهان از انسان برطرف شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۳۶). البته این یک برداشت از روایت است. برداشت دیگر سالبه به انتفاء موضوع بودن است؛ یعنی همین که انسان از خدا شرم کند و گناه نکند، موجب می‌شود که در آینده دست او به گناه آلوده نشود. براساس برداشت دوم «یَمْحُو كَثِيرًا» یعنی در آینده جلوی بسیاری از گناهان را می‌گیرد و محو می‌کند. بی‌حیایی بر بُعد انسانی متربی هم اثر می‌گذارد. در این بعد، بی‌حیایی موجب از بین رفتن انسانیت و مسخ انسان می‌شود، به گونه‌ای که انسان به موجود خبیثی تبدیل می‌شود که بدتر از حیوان است. *إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَلَاكَ عَبْدٍ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِنًا مُخَوِّنًا فَإِذَا كَانَ خَائِنًا مُخَوِّنًا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةُ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا فُظًّا غَلِيضًا فَإِذَا كَانَ فُظًّا غَلِيضًا نَزَعَتْ مِنْهُ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا شَيْطَانًا مَلْعُونًا؛* «آن‌گاه که حیاء از انسان جدا شود - تعبیر جدا شدن به این دلیل است که حیاء جزو فطرت انسان است و باید به‌زور آن را از انسان جدا کرد و سبب آن هم عمل زشت است که جنبه روحی دارد - او را موجود خائنی خواهی یافت که به خیانت دعوت می‌کند. امانت‌داری که یکی از خصلت‌های نیک انسانی است از او جدا می‌شود و او را ملاقات نمی‌کنی مگر اینکه آدم خشن و سختی شده است. با آمدن این حالت خشونت در انسان، ایمان از گردن او برداشته می‌شود و به شیطانی تبدیل می‌شود که از رحمت خداوند دور می‌شود» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۲۹۱). در بعد معنوی نیز اگر حیای انسانی برود، موجب کفر و نفاق او می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: *الْوَقَاحَةُ صَدْرُ النَّفَاقِ وَالشَّقَاقُ وَالْكَفْرُ؛* «وقاحت و بی‌شرمی که ضد حیاء است، سرآمد نفاق، بدبختی و کفر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۳۶) (تهرانی، ۱۳۹۴، صص ۱۶۹-۱۶۵).

د) عیب پوشی

استاد با پرسیدن دو سؤال «حیاء چه نقشی دارد؟» و «خدا برای چه به همه ما حیاء داده است؟» به این

کارکرد تربیتی حیا اشاره کرده است. واقعیت این است که حیا، نقش پوششی برای نفس انسان دارد. این نقش حیا در روایات متعددی ذکر شده است. به خصوص در این روایت از امیرالمؤمنین علی (ع) که فرمود: *و من كساه الحياء ثوبه اختفى عن العيون عيبه*؛ «هر کس لباس حیا را به تن کند، دیگران عیوبش را نمی بینند» (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۱۶۷). روایت دیگری نظیر این روایت هم موجود است که حضرت در جای دیگر می فرماید: *وَ مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ اخْتَفَى عَنِ الْعُيُونِ عَيْبُهُ*؛ «هر که لباس حیا بر تن کند، عیب‌هایش از مردم مخفی می ماند» (همان، ص ۱۶۸). روایت دیگری نیز از آن حضرت است که: *أَحْسَنُ مَلَاسِي الدِّينِ الْحَيَاءُ*؛ «بهترین لباس‌های دین، حیا است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱، ص ۲۳۱). نفس، وقتی تعادلش را از دست می دهد، خراب کاری می کند. حیا مثل یک پوشش است که روی نفس می آید و شهوت و غضب را مهار می کند. وقتی این قوا از تعادل خارج شود، عیوب نفسانی انسان بروز می کند و ظاهر می شود. در این شرایط حیا مانند یک پوشش برای شهوت و غضب عمل می کند. چون این‌ها قوای نفسانی است و حیا مانع ظهور و بروز عیوب انسان است. یعنی حیا مانع می شود که انسان کار زشتی انجام دهد. بنابراین در روایات از حیا به پوشش نیز تعبیر شده است. حال در این میان موضوع دیگری مطرح می شود و آن نقش حیا هم به عنوان پوشاننده و هم به عنوان زیبایی‌بخش انسان است. کسی که عریان است، گاهی فقط به دنبال لباسی است که بدنش را بپوشاند و آبرویش را حفظ کند که این امر با یک گونی هم ممکن می شود و همان ساتری می شود که نمی گذارد عورت فرد نمایان شود. اما گاهی کسی که عریان است به دنبال لباسی می گردد که او را زیبا کند. در اینجا دیگر ستر عورت مد نظر نیست؛ چرا که او به دنبال لباسی است که خود لباس هم زیبا باشد و او را نیز زیبا کند. حیا هر دو نقش را دارد؛ یک نقش آن این است که مانع بروز و ظهور عیوب اخلاقی شود و نقش دیگرش ایجاد زیبایی است که متربی را هم زیبا کرده و به او جلوه می دهد. از حضرت علی (ع) آمده است که *الحياء جميلٌ*؛ «حیا خودش زیبا است» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۵۶) (تهرانی، ۱۳۹۰).

ه) بصیرت‌افزایی

حیا ابزاری برای بصیرت‌افزایی هم هست و ضامن مقابله با تهاجمات ضدارزشی دشمنان اسلام می شود. امروزه با رواج شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای و به کارگیری شیوه‌های متنوع جنگ نرم در فضای مجازی، بسیاری از ضدارزش‌ها آرام آرام برای متربیان تبدیل به ارزش شده و از حیای او کاسته شده است. البته تقلیدهای کورکورانه و ضعف در قوه انتقادی نیز مزید بر علت هستند. مثلاً برخی از افراد که با یقین قلبی به آرمان‌های خود نرسیده‌اند، با دیدن اینکه در فلان مذهب و مسلک حجاب ضد ارزش و نوعی محدودیت تلقی می شود، همین اعتقاد را پیدا می کنند؛ غافل از آنکه ضررهایی که متوجه آن‌هاست را ملتفت نشده‌اند و این گونه اعتقاد دارند که هرچه انسان عریان‌تر باشد، به‌روزتر است. در صورتی که به‌روز بودن در گرو عریان شدن نیست؛ زیرا اگر این گونه باشد، حیوانات خیلی به‌روزتر از انسان هستند. اما چرا متربی وقتی در جایی مسلک دیگری را

می‌بیند، بعضاً بدون دلیل، اعمال و رفتار آن‌ها را پسندیده و به آن‌ها ملتزم می‌شود؟ در جواب باید گفت که با دیدن رفتار آن‌ها سعی در تقلید از آن‌ها دارد و به تعبیر دیگر، آن‌ها را برتر از خود می‌داند؛ در صورتی که برتری در گرو علم و ایمان به ذات قدوس حق و ایمان به پیامبران راستین اوست (نجفی، عبداللهی‌پور، ۱۳۹۶). مرحوم آیت‌الله تهرانی (ره) در این ارتباط می‌فرماید: «دشمنان اسلام فهمیده‌اند که راه ضربه زدن به جامعه اسلامی، ترویج بی‌حیایی است. اگر بی‌حیایی در جامعه رواج پیدا کند، دشمن نیز به اهداف خود رسیده است. آن زمان دیگر دشمن با انسان روبه‌رو نیست تا بخواهد با آن‌ها بجنگد. چون سعیت جامعه بالا رفته، کار دشمن هم راحت شده است؛ زیرا در جامعه تمایلی برای دفاع از دین وجود ندارد» (تهرانی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۴).

و) جلب محبت الهی

براساس آیه ۳۱ سوره مبارکه آل عمران «هُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي، يُحِبِّكُمْ اللَّهُ^۱»، برای جلب محبت الهی کافی است او را اطاعت کرد. حیاء و به‌ویژه حیاء من الله از جمله مصادیق امور اطاعتی از خدا به شمار می‌رود. مرحوم تهرانی (ره) در همین رابطه مطرح می‌کند که مربی تربیتی باید با تکیه بر آیاتی چون «لَمْ يَعْلَمْ بَانَ اللَّهُ بِرِي» (علق، ۱۴)، «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِي» (ق، ۱۶) و «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ» (واقع، ۸۵)، این نکته را به مربی آموزش دهد که «خداوند به اعمالش ناظر است. او در دیدگاه خداست و اگر قرار است عمل غیراخلاقی را انجام دهد، باید از خدا شرم داشته باشد». از نظر استاد اگر مربی از خدا حیاء داشته باشد، موجبات محبت الهی به خود را فراهم می‌سازد و با این کار آثار سوء اعمالش مورد غفران قرار گرفته و محو خواهند شد. ایشان با استناد به این حدیث از امام علی (ع): «الْحَيَاءُ مِنْ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۵۷) در زمینه غفران الهی می‌فرماید: «اگر عمل قبیحی در گذشته از او صادر شده و اکنون از خداوند خجالت می‌کشد و حیاء می‌کند، همین حیاء من الله باعث محو شدن بسیاری از خطاهای گذشته می‌شود و اثر سوء آن را نیز از بین می‌برد» (تهرانی، ۱۳۹۰/۰۳/۰۴). جلب محبت الهی، ملاقات و وصال محبوب را برای انسان به ارمغان می‌آورد و ملاقات و مشاهده جمال الهی لذتی را در پی دارد که به شرح و وصف نمی‌آید. آنان که مراتب ضعیفی از آن را چشیده‌اند، هرگز آن را با سایر لذت‌های متصور، سودا نمی‌کنند. از این رو انبیاء و اولیای الهی در مناجات‌های خود با محبوب خویش، همواره اشتیاق خود را نسبت به آن آشکارا فریاد کرده و عارفان و سالکان در اشعار و چکامه‌هایی که از خود به یادگار گذاشته‌اند، مناظر زیبا و دل‌انگیزی از آتش عشق خویش را به ملاقات و شهود جمال مُراد محبوب به نمایش گذارده و صحنه‌های حزن‌انگیزی از درد و رنج فراق و هجران دوست را به تصویر کشیده‌اند (دیلمی، آذربایجانی، ۱۳۹۷، ص ۸۰).

۱- بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس پیروی من کنید تا خدا هم دوست‌تان بدارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف معرفی کارکردهای تربیتی حیا در اسلام از نگاه و تقریر مرحوم آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (ره) انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که با توجه به اینکه در تربیت و به‌ویژه ساخت اخلاقی آن ایجاد تمامی فضایل و دور کردن تمامی رذایل کاری دشوار است، به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، مربی به ابهام دچار می‌شود و نمی‌تواند ریشه‌یابی و تحلیل دقیقی از تربیت و ارتقای انسان‌ها داشته باشد، لازم است فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی در قالب نظام‌نامه تربیتی دیده شود. در نظام‌نامه اخلاقی آیت‌الله‌تهرانی (ره) حیا نخ تسبیح است که می‌بایست در تربیت انسان بدان توجه کرد. تمرکز و توجه بر این شاخصه می‌تواند والدین و مربیان تربیتی را از کثرت‌گرایی بر ویژگی‌های متعدد رهایی ببخشد و ساختار و روش‌های منظم و ثابت در تربیت را به آن‌ها پیشکش کند. همچنین خود انسان نیز متوجه می‌شود که برای اصلاح خود، آن نقطه مرکزی کجاست و باید به چه مسئله‌ای توجه ویژه کرده و برای آن برنامه‌ریزی کند. آیت‌الله‌تهرانی (ره) در نظام‌نامه خود ابتدا به راه‌های تقویت و حفظ حیا پرداخته و سپس برخی از نکات مورد توجه مربیان در بحث حیا و پرده‌داری در تربیت اخلاقی را مورد توجه قرار داده است. در ادامه نیز به تبیین این راه‌ها پرداخته و سپس نکات مورد توجه در تربیت را مطرح کرده که در این پژوهش گنجانده شده است. در این باره باید گفت که حیا، امری غریزی است و اکتسابی نیست؛ اما مربی می‌تواند زمینه آن را فراهم کند تا خود به خود حاصل شود. هر مربی حیا دارد و باید تلاش کند این حالت را درون خود زنده نگه دارد و اگر ضعیف است آن را تقویت کند. پیشنهاد ما این است که در مسیر تربیت از دو راه علمی و عملی به تقویت حیا اقدام شود؛ در راه علمی می‌توان گفت که چون حیا از جانب خداوند متعال است، باید زمینه را طوری فراهم آورد که مربی مبادی معرفتی و ایمانی لازمه را در خودش تحصیل کند و پیرامون صفات حق تعالی به‌خصوص صفت «بصیر بودن» تفکر نماید. از نظر باور قلبی هم نسبت به اینکه خداوند از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است، معرفت پیدا کند. راه عملی نیز سه ضلع معروف تربیت یعنی مربی، والدین و مربیان مدرسه‌ای را شامل می‌شود. در ضلع نخست، ضرورت دارد که مربی معاشرانی داشته باشد که اهل حیا هستند. دیگر اینکه نسبت به حرف زدندش مراقبت شود؛ زیرا مربی ابتدا از مسیر سخن به وقاحت کشیده می‌شود و سپس آن را در عمل نشان می‌دهد. در ضلع دوم باید به این نکته توجه کرد که حیا از طریق والدین به فرزندان منتقل می‌شود و بنابراین مدیریت گفتار، رفتار، پوشش و به‌ویژه روابط زناشویی نقش به‌سزایی در حیا فرزندان دارد. البته که جلوگیری از اختلاط دختران و پسران در محیط‌های خانوادگی نیز از جمله راه‌هایی است که باید برای حفظ حیا مورد توجه قرار داد. در ضلع سوم هم نکات مختلفی وجود دارد که می‌تواند به آبیاری درخت حیا کمک کند. از جمله این نکات پرهیز از تربیت هنگام عصبانیت است. در این مورد باید گفت که تربیت همراه غضب، اصلاً تربیت نیست. مربی مدرسه‌ای اگر در حالتی که خشمگین است بخواهد تربیت کند، چون هنوز نتوانسته خود را کنترل کند، ممکن است حرکتی کند که موجب پرده‌داری شود و اگر مربی در حالت خشم مربی،

مقابل او بایستد، بی‌حیایی اتفاق می‌افتد. نکته دیگر استفاده از روش تلویح و تعریض است. تلویح به معنای اشاره است و در مقابل تصریح قرار دارد. در تربیت باید از صراحت لهجه دوری گزید و با اشاره حرف زد تا اثر حرف از بین نرود. تعریض نیز به معنای کنایه است. خطای متربی را نباید با صراحت مطرح کرد؛ بلکه باید با کنایه او را متوجه اشتباهش نمود. نکته بعدی به یاد داشتن تدریجی‌الوصول بودن تربیت است. در این ارتباط مربی باید بپذیرد که تربیت امری دفعی نیست و با تکرار و به‌مرور زمان حاصل می‌شود. توجه به تأثیرات عمیق عاملان تربیتی، نکته بعدی است. در این راستا محیط تربیتی مدرسه و مربیان نیز با توجه به برتری علمی و تأثیرپذیری که متربی نسبت به محیط مدرسه و کلاس خود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس باید به رعایت حیای در گفتار و عمل پایبند باشند. نکته آخر هم حساسیت داشتن در ارائه محتواست. مربیان باید در انتخاب محتواهای تربیتی به‌ویژه در دوره کودکی به شاخصه حیا حساس باشند.

از آنجا که آثار آیت‌الله تهرانی به تازگی شروع به نشر کرده، این احتمال وجود دارد که در سال‌های بعد شاهد تقویت مفهومی ماهیت اخلاقی حیا باشیم. از طرفی کارکردهای معرفی شده، حاصل برداشت و جمع‌بندی محققان حاضر است و به یقین می‌تواند دامنه گسترده‌تری داشته باشد.

در انتها نظر به مهجور بودن شخصیت علمی و اندیشه‌های اخلاقی مرحوم آیت‌الله تهرانی در سطح کنشگران دانشگاهی تعلیم و تربیت، به مربیان مدرسه‌ای و والدین پیشنهاد می‌شود که به معرفی آثار گران‌بهای ایشان اقدام و بسته‌های یادگیری مقتضی را در این زمینه تهیه کنند. امید که این پژوهش، شروع مناسبی برای بهره‌گیری از اندیشه‌های ایشان بوده و بتواند پژوهشگران دیگری را به مطالعه و تفحص در این حوزه علاقه‌مند سازد.

منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه. (۱۳۸۶). ترجمه محمد دشتی. تهران: پیام عدالت.

احمدی‌نژاد، م.؛ و کوهساری، ز. (۱۳۹۶)، نقش حیا در سلامت خانواده و جامعه. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه. تهران: دانشگاه الزهرا(س).

اکبری، م. (۱۳۹۷). نقش حیا در سلامت اخلاقی جامعه. نشریه کیهان فرهنگی. ۳۱ (۳۳۶): ۱۲.

پسندیده، ع. (۱۳۹۳). پژوهشی در فرهنگ حیا. قم: دارالحدیث.

تمیمی آمدی، ع. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق مصطفی درایتی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

تمیمی آمدی، ع. (۱۴۲۹ق). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق مهدی رجایی. قم: دارالکتاب الاسلامی.

۱- از علاقه‌مندان به نظرات تربیتی این استاد فقید تقاضا می‌شود به وب‌سایت زیر مراجعه کنند:

- تهرانی، م. (۱۳۹۴). *ادب الهی، کتاب چهارم: حیا موهبتی الهی*. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی.
- (۱۳۹۰). *تربیت اخلاقی*. مجموعه سخنرانی‌ها. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی.
- (۱۳۹۰). *جلسه درس اخلاق و معارف اسلامی*. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی. ۱۳۹۰/۰۱/۲۸.
- (۱۳۶۵). *جلسه درس اخلاق و معارف اسلامی*. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی. ۱۳۶۵/۰۸/۰۲.
- (۱۳۶۵). *جلسه درس اخلاق و معارف اسلامی*. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی. ۱۳۶۵/۰۸/۰۷.
- (۱۳۶۵). *جلسه درس اخلاق و معارف اسلامی*. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی. ۱۳۶۵/۰۸/۰۹.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت‌وگوها*. قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره).
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. زیر نظر علامه محمدتقی مصباح یزدی. تهران: مدرسه. حرعاملی، م. (۱۴۱۶ ق). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی، ز. (۱۳۹۵). *جایگاه حیا و آثار آن در سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و روایات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۷). *اخلاق اسلامی*. قم: معارف.
- ذوالفقاری، ف. (۱۳۹۵). *تبیین مبانی فلسفی مفهوم حیا و جایگاه آن در تربیت اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء (س).
- کلینی، م. (۱۳۴۴). *الکافی*. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
- کیفی بسجستانی، م. (۱۳۹۴). *تبیین آثار تربیتی حیا و ادب بر زندگی انسان‌ها از دیدگاه قرآن کریم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- متقی، ع. (۱۴۱۹ ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*. بیروت: الوفاء.
- مصباح یزدی، م. (۱۳۹۰). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نجفی، ح؛ و عبدالهی پور، م. (۱۳۹۶). *چرایی و چگونگی تبدیل ضد ارزش به ارزش در سبک زندگی*. قم: پژوهشکده باقرالعلوم (ع).